

طرائف الحكم

(1)

بدخوی دست دشمنی گرفتارست که هر کجا رود از چنگ عقوبت او خلاص نیابد.

اگر زدست بلا بر فلک رود بد خوی

زدست خوی بد خویش در بلا باشد(1)

(2)

دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی فایده کردند؛ یکی آنکه اندوخت و مخورد و دیگر آنکه آموخت و نکرد.

علم چندان که بیشتر خوانی

چون عمل در تو نیست نادانی

نه محقق بود نه دانشمند

چارپایی برو کتابی چند

آن تهی مغز را چه علم و خبر

که برو هیزم است یا دفتر(2)

1- گلستان سعدی ص 272

2- گلستان سعدی، ص 265

(3)

بزرگی را پرسیدم در معنی این حدیث که: اعدا عدوَّك نفسك التي جنبك گفت: به حکم آنکه هر آن دشمنی را که با وی احسان کنی، دوست گردد مگر نفس را که چندان که مدارا بیش کنی، مخالفت زیادت کند.

فرشته خوی شود آدمی به کم خوردن

وگر خورد چو بهایم بیوفتد چو جماد

مراد هر که برآری مطیع امر تو گشت

خلاف نفس که فرمان دهد چو یافت مراد(1)

1- گلستان سعدی، ص 248.

(4)

الهی، من از گدایان سمج، درس گدایی آموختم.(1)

الهی، تاکنون می گفتم جهان را برای ما آفریدی، اکنون فهمیدم که خودت هم برای مایی.

الهی، داراتر از من کیست که تو دارایی منی

الهی، خاطر ما را از خطور خطیئه نگه دار!

الهی، شکرت که جوان مرگ نشدم.

الهی، به نعمت حضور، قلبم را از خطور ذنوب بازدار!

الهی، شکرت که توشه‌ای جز توکل ندارم.

الهی، تو را دارم چه کم دارم؛ پس چه غم دارم.

الهی، نمی گویم که از دوستانم، ولی شکر که از دشمنان نیستم.

الهی، شکرت که به دیدار حُسن جمالت عاشقم و به گفتار ذکر جمیلت شایق.

الهی، از در دم خرسندم که درمانش تویی.

الهی، یکی نان دارد و دندان ندارد، و یکی جان دارد و جانان ندارد. شکرت که حسن هم این دارد و هم آن دارد.

الهی، اگر حسن مال می‌یافت و حال نمی یافت، از حسرت چه می کرد؟

الهی از من آهی. از تو نگاهی.

الهی همه این و آن را تماشا کنند و. حسن خود را، که تماشایی‌تر از خود نیافت.

الهی، حسین شیر خوار حسن را به حسن ببخش و حسن را به شیر خوار حسین!

الهی، شکرت که حقیر و فقیرم نه امیر و وزیر.

الهی، قبان لب و دهانم که به ذکر تو گویاندد

الهی، تا حال تو را پنهان می پنداشتم و حال جز تو را پنهان می دانم.(2)

1- الهی نما حسن زاده آملی، ص 54.

2- الهی نامه آیت الله حسن زاده آملی.

(5)

تفکری که در اسلام اهمیت زیادی به آن داده شده است، تفکر و اندیشه در مورد مبدأ و معاد خلقت، آغاز و انجام زندگی و جهان، تفکر در مورد فلسفه زیستن و خودشناسی است. همه این سفارشات و تأکیدات برای اینست که عقل برانسان و افعال او حاکم گردد و زندگی بشر، رنگ عقلانی پیدا کند. بسیاری هستند که به ظاهر مشغول ذکرند، اکما عقل و شعور و بینش الهی ندارند، تنها زبانشان ذکر می گوید ولی ذکر عقلانی ندارند. (1)

1- استاد حسن زاده آملی، ص 10، محسن غرویان.

(6)

در نهی از تضييع وقت

عمر بن ذرّ گفته است: ایّام سه روز است: روز گذشته و به آن امید نداری، و روز حاضر و باید او را غنیمت شماری، و روز آینده و از آمدن آن بر گمانی. و دیروز و امروز همچو دو برادرند یکی بر در تو آمد او را اکرام نکردی و خوان ننهادی و رنجیده برفت، اکنون اگر با برادرش هم آن سیرت عمل نمایی از تو خشنود نگردند و در هلاك تو سعی نمایند. (1)

1- نوادر، راغب اصفهانی - ص 319.

(7)

فشارها، عامل رشد

پستان مادر و شیر:

پستان مادر شیر دارد. اما اگر طفل ننوشد شیر از آن تراوش نمی کند. مکیدن فشاری است که موجب شیر می شود. در

انسان، علم، استعداد و خلاقیت نهفته است، اما باید تحت فشار قرار بگیرد تا این خلاقیت به جریان بیفتد. فشار، همان مصائب است. (1)

1- تمثیلات، آیت الله حائری شیرازی، ج 1 ص 50.

(8)

یکی از طلاب محترم نقل کردند که خدمت آیت الله بهجت رسیدم، عرض کردم: آیا می شود ما خودمان به دستوراتی که از بزرگان رسیده و در کتابها نوشته شده مثل دستوراتی که از مرحوم «بید آبادی» است عمل کنیم؟ آقا فرمودند:

مرحوم بید آبادی و بزرگان برای اسلام زحمات زیادی کشیده اند، ولی هر کدام از يك راه افراد را به سوی خدا می بردند، ولی من راهم این است که دستور العمل فقط در يك چیز جمع شده در يك کلامه خیلی كوچك و آن

ترك گناه است.

ولی فکر نکن ترك گناه چیز ساده‌ای است، گاهی خیلی مشکل است، تمام دستورات خودشان بعداً می‌آیند. «ترك گناه» مثل چشمه‌ای است که همه چیز را خود به دنبال دارد، ترك گناه کنید دستورات بعدی و عبادات دیگر خود به خود به سمت شما می‌آید. (1)

1- فریادگر توحید - ص 199 - پند خوبان ص 219.

خیالات خودتان هستیم و تصوراتمان از پیش چشمان رژه می‌رود. (1)

1- تمثیلات ج 2، ص 66.

(11)

قدرت یافتن کافر

گردو و پوست آن:

شما گردو را که می‌خواهید بشکنید، با دست بالا می‌برید و محکم به زمین می‌زنید. حال اگر پوست گردو ضخیم بود طبیعتاً بالاتر می‌برید تا محکم‌تر به زمین بکوبید. پس باور کنید که اگر کافر در این دنیا بالا و بالاتر می‌رود تنها و تنها جهتش این است که محکم و محکم‌تر به زمین بخورد. (1)

1- تمثیلات ج 1، ص 146.

(12)

عمل به معلومات

آقایانی که طالب مواظط هستند، از ایشان سؤال می‌شود، آیا به مواظطی که تا حال شنیده‌اید عمل کرده‌اید یا نه؟ آیا می‌دانید که هر کس عمل کرد به معلومات خودش، خداوند مجهولات او را معلوم می‌فرماید. آیا اگر عمل به معلومات اختیار نماید شایسته است توقع زیادی معلومات؟ آیا باید دعوت به حق از طریق لسان باشد؟ آیا نفرموده با اعمال خودتان به حق بنمایید؟ آیا طریق تعلیم را باید یاد بدهیم یا آنکه یاد بگیریم؟ آیا جواب این سؤالها از قرآن کریم «والذین جاهدوا لنهدينهم سبلنا» و از کلام معصوم «من عمل بما اورثه الله علم و لم يعلم»، «و من عمل بما علم كفى ما لم يعلم» روشن نمی‌شود»

خداوند توفیق مرحمت فرماید که آنچه را می‌دانیم زیر پا نگذاریم و در آنچه نمی‌دانیم توقف و احتیاط نماییم تا معلوم شود نباشیم از آنها که گفته اند.

پی مصلحت مجلس آراستند

نشستند و گفتند و برخاستند (1)

1- حضرت آیت الله بهجت - مشهد 1375/5/21 دستورالعمل - چهل نامه عرفانی ص 117.

(13)

قال اميرالمؤمنين عليه السلام:

«وَاللَّهِ، لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خِزِيرٍ فِي يَدِ مَجْدُومٍ»؛ به خدا سوگند، این دنیای شما در دیده من خوارتر از استخوان خوکى است که در دست يك جذامى مى باشد. (1)

1- حکمت 236، نهج البلاغه، کلید نهج البلاغه حسن زاده ص 105.

(14)

ترك معصيت

حضرت آيت الله بهجت مى فرمودند:

الطاف خاصه الهى بر تمامى طبقات مختلفه اولياء الله تعالى رايجان است، و فقط مورد قابل لازم است که انسان مورد عنايت خاصه حق تعالى واقع شود، و آن هم به ترك معصيت حق تعالى حاصل مى شود، البته با ملاحظه حال سالک الى الله. (1)

1- حضرت آيت الله شيخ جواد كربلايى، بهجت عارفان، ص 95.

(15)

وظايف اهل علم

حضرت آيت الله بهجت مى فرمايد:

آنچه در ابتداى تحصيل بايد مراعات شود انجام واجبات کما هو حقّه و پرهيز از محرّمات است. (1)

1- بهجت عارفان، ص 204، حجة الاسلام و المسلمین سيد رضا خسروشاهی.

(16)

استاد، خدا باشد!

آقا! ذکر مى خواهيد، يکى از اسماء قرآن ذکر است، ذکر همان قرآن است، البته دقت داشته باشيد چطور براى درسى وقت معين داريد. براى قرآن هم همينطور باشد، يك درس را قرآن قرار دهيد، در پيشگاهش به درس بنشينيد، استاد هم خدا باشد! (1)

1- صراط سلوك، ص 34 - جمع پراکنده - ص 145 - حسن زاده آملی

(17)

تماس نگرفتن با نامحرمان

برادر فاضل جناب آقای شیخ جواد ابراهیمی برای من نقل کردند که روزی از جناب استاد حسن زاده (مد ظله)

خواستم که نصیحت و ارشاد و موعظه‌ای برایم بیان فرمایند از جمله فرمودند: سعی کنید با نامحرمان تماس نداشته باشید چه زن باشد و چه مرد!! تعجب کردم و پرسیدم: آیا مرد هم نامحرم می شود؟! فرمودند: هر کس که با خدا انس نداشته باشد، نامحرم است!!¹

1- در محضر استاد، ص 83 - داستانهای عارفانه - عباس عزیزی - ص 239

(18)

دستور العمل آیه الله بهجت برای نجات

یکی از طلاب می گوید به حضور حضرت آیه الله محمد تقی بهجت رسیدم و عرض کردم: هر کسی از علمای زاهد اسلام برای نجات انسان، دستورالعملی فرموده است مانند دستورالعمل مرحوم بیدآبادی و... آیا با این دستورالعمل‌ها می توان به مقامات عالی رسید؟ فرمود: هر يك از این علما زحمت کشیده اند، و راهی را برای نجات ارائه داده‌اند، ولی دستورالعمل من در يك چیز جمع می شود، یکی کلمه خیلی كوچك و آن «ترك گناه است، ولی فكر نکن که ترك گناه ساده است، گاهی خیلی مشکل است. ترك گناه چشمه‌ای است که همه چیز را به دنبال دارد، شما گناه را ترك کن، دستورهای بعدی و عبادات دیگر خود به خود به سمت شما می آید.»

نیز شخصی در ضمن نامه ای از آیت الله بهجت تقاضای دستورالعمل و راهنمایی کرد، ایشان در پاسخ چنین نوشت:

«باسمه تعالی: هیچ ذکرى بالاتر از ذکر عملی نیست، هیچ ذکر عملی نیست، هیچ ذکر عملی بالاتر از ترك معصیت در اعتقادات و عملیات نیست، و ظاهر این است که ترك گناه به قول مطلق، بدون مراقبت دائم، صورت نمی گیرد.»¹

1- قصه های روح پرور - محمد محمدی اشتهااردی - ص 72.

(19)

حضرت آیه الله بهجت می فرمودند: به یقینات عمل کنید، تا کم کم به مطالب بالاتر برسید.¹

1- مصاحبه با آیه الله محمد حسن احمدی فقیه یزدی - بهجت عارفان - ص 154

(20)

دستور العمل زبان

یکی از ارادتمندان آیه الله بهجت نقل کردند: در یکی از ایام در دلم چنین نیت کرده بودم که زبانم را بیشتر کنترل کنم و با کسی حرف نزنم، همان روز خدمت آیه الله بهجت رسیدم و در خدمت ایشان بودم که فرمودند: بَدَم نمی آید در صورتی که کسی اراده تَحْفُظ (مراقبت و خود نگهداری) در کلام داشته باشد و اگر مصلحت باشد و خلاف سیاست نباشد تکلم به قرآن بکند.»¹

(21)

«امام خمینی» در شرح دعای سحر می فرمایند:

«از یکی از مشایخ ارباب معرفت، رضوان الله علیه، شنیدم که می فرمود: جرعه آبی که در بهشت نوشیده می شود همه لذتها را دارا است و یعنی، هم لذت هایی که به گوش درك می شود مانند انواع موسیقی و آهنگ های دلنشین و هم لذت هایی که با چشم درك می شود، مانند انواع دیدن صورتهای زیبا و رنگها و شکلها و بقیه حواس نیز بهمین قسم بهره مند می شوند و لذت می برند». ¹

1- پندها و حکایت های اخلاقی - برگرفته از آثار آیه الله مظاهری - ص 211

(22)

آیت الله بهجت می فرمودند: قدم اول در سیر الی الله و در مسیر تقرب به خدا این است که انسان در همان حالی که متوجه خودش می شود يك مسافت و فاصله ای با مولای خود دارد، نخست باید مواظب باشد که حداقل اگر نزدیکتر نشد فاصله ای را که با مولا دارد بیشتر نشود و سعی کرده موقعیتی را که دارد حفظ کند. تا بعد کم کم به جلو حرکت و خود را به مولا نزدیکتر نماید. ¹

1 بهجت عارفان - ص 202 - حجة الاسلام و المسلمین استاد سید رضا خسرو شاهی.

(23)

جهان ای برادر نماند به کس

دل اندر جهان آفرین بند و بس

مکن تکیه بر مُلك دنیا و پشت

که بسیار کس چون تو پرورد و کشت

چو آهنگ رفتن جان پاك

چه بر تخت مردن چه بر روی خاك ¹

1 گلستان سعدی - ص 21

(24)

هر که فریاد رس روز مصیبت خواهد

گو در ایام سلامت بجوانمردی کوش ¹

(25)

چون بنده خدای خویش خواند

باید که بجز خدا نداند 1

(26)

موانع تا نگردانی زخود دور

درون خانه دل ناپدت نور

موانع چون درین عالم چهار است

طهارت کردن از وی هم چهار است

نخستین پاکی از احداث و انحاس

دوم از معصیت و زشرو سواس

سیوم پاکی ز اخلاق ذمیمه است

که با وی آدمی همچون بهیمه است

چهارم پاکی سراسر است از غیر

که اینجا منتهی می گرددش سیر (1)

(27)

هر که خاموش شد گویا شد. هر که چشم سربست بینا شد، هر که گوش دل گشود دانا شد، هر که را حضور است نور است. هر که را مراقب است سرور است چه این که کلید نیکبختی در مشیت اوست و نگین پیروزی در انگشت او. (1)

(28)

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

یکی از علماء بالله از مرحوم علامه طباطبائی نقل فرمودند: مرحوم آقای قاضی می فرمودند: من از باباطاهر سروده اگر جانان هجران را پسندد من آنرا پسندم. چطور انسان می تواند این را بپذیرد. مولا علی علیه السلام فرمود: «صَبَرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ وَ صَبَرْتُ عَلَىٰ حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَىٰ كَرَمَتِكَ». عاشق بر هر چیز صبر کند بر فراق صبر نتواند.¹

¹ - فریادگر توحید - ص 108 - زندگی نامه آیه الله بهجت.

(29)

ای دوست هر آنچه هست نور رخ توست

فریاد رس دل، نظر فرخ توست

طی شد شب هجر و مطلع فجر نشد

یارا، دل مرده تشنه پاسخ توست.¹

¹ - دیوان امام خمینی ص 196

(30)

در محفل دوستان بجز یاد تو نیست

آزاده نباشد آنکه آزاد تو نیست

شیرین لب و شیرین خط و شیرین گفتار

آن کیست که با این همه فرهاد تو نیست.¹

¹ - دیوان امام خمینی ص 200

(31)

برای طهارت باطن، نخست باید دوام طهارت ظاهری را حفظ کرد و طهارت بدن را مراعات نمود. اعضا و جوارح ظاهری باید کنترل شود، زبان آفت بدیست، انسان باید سعی کند چاهش را به عقل بگرداند! همانطور که دهان، گاه مجرای غذای آلوده به معده است، همین دهان و زبان، مجرای غذای آلوده به جان نیز هست. باید

این نهال وجود را که رو به رشد و کمال است، مواظب کرد، از همنشین بد پرهیز نمود... این دقتهای ظاهری، کم کم باطن را هم طاهر می کند. انسان اگر کمی در این نظام دقت کند، می بیند که در دار هستی، هیچ چیز غلط نمی کند، حتی حیوانات هم در کار و وظیفه خود خیانت نمی کنند، اینها درس است برای ما! از آن طرف هم داریم که: «مَنْ جَاهِدْ فِينَا لَنَهْدِيْهِمْ سَبِيْلًا» باید در این امور دقت کرد تا کم کم طهارت باطن هم پیدا شود.¹

¹- در محضر استاد حسن زاده آملی - ص 24- حسن غرویان

(32)

سال گذشته (1365) یکی از فضلاء از من پرسید: با قطع نظر از مطالعات و اندیشه‌های رسمی و دلائل متداول که وجود ماورای طبیعت را اثبات می کند، محسوسترین راهی که، هیچ ا حدی نتواند آن را منکر شود چیست؟ در پاسخ او گفتم: عمل و عکس العمل، قانونی است، در حیات انسانها، که انکار آن مساوی با انکار خویشتن است. این جهاد کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا آنگاه مثلهایی زدم و آن شخص نخست در حیرت فرو رفت و سپس گفت: این قانون قابل تردید نیست.¹

¹- خاطرات علامه محمد تقی جعفری - ص 43 - فروغ دانایی

(33)

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد ز پس تو بیش فرست

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز هر چه رنگ تعلق نپذیرد آزاد است.¹

¹- معراج السعادة - ص 329 - ص 332

(34)

پادشاهی از عارفی تقاضای نصیحت کرد. عارف گفت: شما اگر تشنه باشید و از تشنگی رو به مرگ رفته باشید، چقدر حاضری بدهی تا آب بخوری؟ گفت: نصف سلطنتم را. گفت آب را خوردی و بول بند شدی، چقدر حاضری بدهی تا این آب را که خوردی از بدنت خارج شود؟ گفت: نصف سلطنتم را. گفت: بنابراین سلطنت و قدرتی که به يك آب خوردن و يك بول کردن تمام بشود، این تفاخر ندارد. این «من» گفتن ندارد. این «منیت» در میان همه فراوان است. در میان زنها هست. در میان مردها هست. دعا و زار و نیاز با خدا می تواند آن را از بین ببرد.¹

¹- پندها و حکایت‌های اخلاقی - برگرفته از آثار آیه الله مظاهری - ص 85

(35)

نگارنده كودك اندر شكم

نگارنده عمر روزی است هم
خداوندگاری که عیدی خرید
بدارد فکیف آنکه عبد آفرید
تو را نیست آن تکیه بر کردگار
که مملوک را بر خداوندگار [1](#)

[1](#)- معراج السعادة - ص 367

(36)

خویشتن را بزرگ می بینی
راست گفتند يك، دو بیند لوچ
ای ایاز از پوستینت یاد آر [1](#)

[1](#)- معراج السعادة - ص 272

(37)

امام امت بخاطر اینکه يك طلبه‌ای پشت سر يك مرجع غیبت کرده بود، سه روز تب کردند و درسهای خود را تعطیل نمودند و از منزل بیرون نیامدند و وقتی برای تدریس به کلاس درس حاضر شدند نفس مبارکشان به شماره افتاده بود. [1](#)

[1](#)- پندها و حکایت‌های اخلاقی - برگرفته از آثار آیه الله مظاهری - ص 85

(38)

قناعت توانگر کند مرد را
خبر کن حریص جهانگرد را
قناعت کن ای نفس بر اندکی
که سلطان و درویش بینی یکی
چو سیراب خواهی شدن ز آب جوی
چرا ریزی از بهر برف آبروی [1](#)

(39)

یکی طفل دندان برآورده بود
پدر سر به فکرت فرو برده بود
که من نان و برگ از کجا آرمش
مروت نباشد که بگذارمش
چو بیچاره گفت این سخن پیش جفت
نگر تا زن او را چه مردانه گفت
مخور گول ابلیس تا جان دهد
هر آن کس که دندان دهد نان دهد
تواناست آخر خداوند روز
که روزی رساند تو چندان مسوز [1](#)

(40)

مرا پیر دانای مرشد شهاب
دو اندرز فرمود بر روی آب
یکی آنکه خویش خوش بین مباش
دگر آنکه بر خلق بد بین مباش [1](#)

(41)

اهل بیت، رابط ما و خدا

ارتباط بچه در رحم با مادر به وسیله بند ناف است. اگر این بند ناف قطع گردد بلافاصله بچه سقط می شود. اهل بیت علیهم السلام به منزله بند ناف بین ما و خدا هستند که اگر لحظه‌ای ارتباط ما با اهل بیت علیهم السلام قطع گردد، سقط خواهیم شد و بوسیله قطع این ارتباط رابطه ما با خدا هم قطع خواهد شد.¹

¹- تمثیلات، ج 1، ص 97

(42)

دل، خانه خدا یا شیطان؟

زمین خالی و خطر آن:

اگر قطعه زمینی، خالی از زراعت و منزل مسکونی باشد بیشتر در خطر تصادف و غصب است و خیلی‌ها به فکر به دست آوردن آن می افتند، ولی اگر زمینی آباد شد دیگر کمتر کسی به فکر تصرف آن می افتد.

تا زمانی که دل انسان خالی است در خطر تصرف این و آن قرار می گیرد و هر کدام را که دل ببرد آن دیگری بلافاصله وارد می شود، اما اگر این دل آباد شد و از محبت الهی پرگشت، دیگر کسی در این دل طمع نمی کند و این دل از خطرات غصب می رهد.¹

¹- تمثیلات ص 98

(43)

رهایی از جذب نفسانیت

جاذبه زمین:

خودخواهی انسان مانند جاذبه زمین است و تا انسان از این جاذبه خارج نشود حرکت او مشکل و محدود خواهد بود.

کسانی که وارد دین می شوند و مقید به آداب دینی می گردند مانند هواپیما هستند که از خاک «خودیت» برخاسته اما هنوز از جو خودیت خارج نشده‌اند. اما اگر بتوانند از این جو هم خارج شوند حرکت فوق‌العاده خواهد بود.¹

¹- تمثیلات ج 1 - ص 104

(44)

زکام:

آدم که زکام می شود دیگر بویی را احساس نمی کند. محبت دنیا برای انسان زکامی می آورد که بوی حقیقت را استشمام نمی کند. آنوقت فکر می کند که آن عالم بو ندارد.¹

(45)

حجاب حافظ ارزشها

شیشه عطر و سر آن:

تا زمانی که سر شیشه عطر بسته است، عطر داخل آن هم محفوظ خواهد بود، ولی به محض اینکه چند ساعتی سر شیشه عطر بر داشته شود عطر داخل آن می‌پَرَد و تنها شیشه خالی بدون عطر می‌ماند که کسی بدان میلی ندارد. حجاب همانند سر شیشه عطر است که بوی خوش و زیبایی و حلاوت و طراوت زن را حفظ می‌کند و با برداشتن حجاب آن زیبایی و حلاوت از بین می‌رود. رمز زیبایی زنهای مسلمان همین است. ¹

1- تمثیلات ج 1 - ص 140

(46)

بلا، عامل نجات از سقوط

تصادف با نرده‌های کنار جاده راننده‌ای که با نرده‌های کنار جاده تصادف می‌کند شدیداً از این که خساراتی به ماشین او وارد شده ناراحت می‌شود و نرده‌ها را عامل این خسارت می‌داند، ولی وقتی پایین می‌آید و آن طرف نرده‌ها را که دره‌ای وحشتناک است می‌بیند بسیار خوشحال می‌شود و نرده‌ها را وسیله نجات خود می‌بیند. مصیبت‌ها همان نرده‌های کنار جاده‌اند که در ظاهر خساراتی وارد می‌کنند ولی مانع پرت شدن می‌شوند. ¹

1- تمثیلات - ص 52

(47)

سعادت در سایه عشق به خدا

آب و لیوان:

از نظر ادیان الهی همه مسائل تربیت در يك کلمه به نام «سعادت» خلاصه می‌شود و تمام فاسد شدن‌ها و منحرف شدن‌ها هم در يك کلمه به نام «شقاوت» خلاصه می‌شود. سعادت و ساخته شدن و موفقیت انسان در عشق به «خدا» است و شقاوت انسان در عشق به «خود» می‌باشد. اصولاً انسان بدون عشق نمی‌تواند باشد، یا عشق به خود دارد و یا عشق به خدا. آبی که در لیوان است، هر اندازه که از سر لیوان خالی کنیم، جای آن را هوا پر می‌کند، شما نمی‌توانید لیوانی داشته باشید که در این شرایط نه آب در آن باشد نه هوا، حتماً یا يك مایع و چیزی در لیوان است، یا اگر آن مایع یا آن چیز خالی شود، جای آن را هوا پر می‌کند. ¹

1- تمثیلات ج 1 - ص 78

(48)

کودکان و گناه

سیگار کشیدن:

بچه اگر از همان طفولیت هم غیبت بکند نباید بگویید هنوز که مکلف نشده است و یا هنوز تکلیف بر عهده اش نمی باشد. نه، عادت می کند. چطور بچه اگر قبل از تکلیف سیگار بکشد و یا معتاد شود قبول نمی کنید که بگویید چون بچه است و هنوز مکلف نیست، چه اشکالی دارد که هرئینی بشود، یا چون هنوز مکلف نیست، تریاکی یا سیگاری بشود اشکالی ندارد، نه! شما می گویید چه فرقی می کند؟ انسان است وقتی عادت کند ضایع می شود. این هم عادت به کار بدی است، بچه که انجام بد دهد دیگر بدتر است. غیبت چه فرقی با آن کارها می کند؟ اگر بچه به يك کار بدی معتاد شود وقتی هم که بزرگ شد دیگه نتوانست آن کار را ترك کند چقدر از پدر و مادری که جلوی او را نگرفته اند ناراحت می شود.¹

¹ - تمثیلات ج 1 - ص 86

(49)

اخلاص در عمل

انسان نباید حسناتش را در ذهنش بزرگ کند. مثلاً اگر خدمتی کرده یا در عملیاتی شرکت داشته، یا استقامتی کرده، طرح کردن این خوبیها مثل شیشه عطری است که درب آن گم شده باشد. این امر باعث می شود که آن عطر خیلی زود از دست برود یا بریزد. اگر عطر دارید سرش را محکم ببندید که بوی آن هم نپرد. در این صورت آن را مدت‌های مدید خواهید داشت و به موقع هم از آن استفاده می کنید.¹

¹ - تمثیلات ج 2 - ص 83

(50)

به از عابد

جوانمردی که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد. هر که ترك شهوت از بهر خلق داده است، از شهرتی حلال در شهوتی حرام افتاده است. عابد که تا از بهر خداگوشه نشیند بیچاره در آیینه تاریک چه بیند

(51)

قرآن و عترت

الگو

اسلام دارای دو عنوان است: يك عنوان، قرآن و يك عنوان، اهلبیت: قرآن بعنوان قانون است و اهل بیت به منزله الگو، علّت اینکه به یکی از آنها نمی شود اکتفا کرد این است که قانون در الگو تجسم می یابد.¹

¹ - تمثیلات ج 2 - ص 116

(52)

نقش اجتماعی آگاهی

آجر و کاخ

ریشه قدرت ظالم، ناآگاهی مظلوم است. مظلوم ناآگاه آلت دست ظالم و تحت تبلیغ، تهدید و تزریقات سوء او قرار می گیرد. وقتی آگاهی کردی، هر فردی را که آگاه کردی مثل این است که يك آجر از ساختمان قدرت ظالم بیرون کشیده‌ای در این صورت فروریختن کاخ ظلم قطعی است.¹

¹- تمثیلات ج 2 - ص 117

(53)

نقش سازنده دشمن

موانع

در تمرینهای نظامی، مرحله عبور از مانع را بعنوان تمرین و تربیت قرار می دهند. امروز آمریکا را گذاشته‌اند بعنوان يك مانع برای سیر الی الله، می خواهند مرحله عبور شما را از مانع ببینند.¹

¹- تمثیلات ج 2 - ص 124

(54)

موقع شناسی اجتماعی

میوه کال

سعی کنید موضع شما در اختلافات همان موضع امام باشد. میوه را در فصل خودش می‌چیند. شما هم خارج از فصل، میوه را نچینید خرمالو را، اگر زود بچینید و بخورید هم دهان خود را تلخ کرده اید و هم آن را ضایع کرده‌اید. اگر يك ماه صبر کنید، همین خرمالو يك میوه شیرین و خوب می شود و می‌خورید این مسائل جامعه تا موقعی که زور خودش را نزده و روشن نشده و پختگی لازم را پیدا نکرده است، مثل میوه کال است، اگر واردش بشوی اذیت می‌شوی. مسائل تا پخته نشده است دندان روی آن نگذار اظهار نظر در رابطه با مسائل، مثل دندان روی مطلب گذاشتن است، وقتی که پخته نشده است تلخ است.¹

¹- تمثیلات ج 2 - ص 158

(55)

بهشت و تقوا

کندو

بهشت و کندو می‌ماند. در کندو آنهایی را راه می‌دهند که بر روی گلهای بدبو ننشسته و از هیچ چیز جز شهدگل، تغذیه نکرده باشند. پس انسان باید مراقب و مواظب باشد و باور کند که هر کجا نمی‌تواند بنشیند و از هر لقمه‌ای نمی‌تواند تغذیه کند، چون اگر چنین کند پیش از اینکه وارد کندو شود او را دو نیم خواهند کرد.¹

¹- تمثیلات ج 2 - ص 169

(56)

اعتقاد الهی و گرایش مادی

سلامت و بیماری

اعتقاد به خدا حکم سلامت را دارد و گرایش مادی حکم بیماری را، هیچ‌گاه از سر سلامت نباید پرسید، زیرا سلامت بر طبق مسیر و جریان طبیعی نظام خلقت است، اما اگر دیدیم فردی یا جمعیتی بیمارند، آنجا باید پرسید؛ چرا این افراد بیمار شدند؟ چه موجهاتی سبب بیماری آنها شده است؟...

از نظر ما گرایش دینی نیازی به پرسش ندارد. آن، کشش فطرت است، بلکه باید کاوش کرد که چرا بشر گرایش به بی‌دینی پیدا کرد؟¹

¹- تمثیلات و تشبیهات در آثار استاد شهید مطهری - ص 38 - علل گرایش به مادیگری - ص 55

(57)

آرزوهای باطل و بزرگ

آب شور

اگر انسان محور آرزوهایش حواجی مادی باشد، هیچ وقت به آنها نمی‌رسد، زیرا به هر آرزو که برسد آرزویی بزرگتر در جلو چشمش نمایان می‌شود، دائماً احساس اضطراب و نگرانی می‌کند، اطمینان و رضایت خاطر - که رمز سعادت است - هیچ وقت برایش دست نمی‌دهد؛ ولی امور معنوی و روحانی، روح بشر را قانع می‌کند و به او رضایت خاطر و اطمینان می‌دهد. این است که بزرگان گفته‌اند: مثل آرزوهای باطل دنیوی مثل آب شور است، نه تنها انسان را سیراب نمی‌کند و رفع تشنگی نمی‌نماید، بلکه تشنگی و عطش وی را اضافه می‌کند و شخص بیشتر می‌آشامد تا آنجا که او را می‌کشد.

(58)

آن شنیدستی که در صحرای غور

بار سالاری بيفتاد از ستور

گفت چشم تنگ دنیا دار را

یا قناعت پر کند یا خاك گور¹

1- تمثیلات شهید مطهری (قدس سره الشریف) ص 179

(59)

چنان باش که همیشه زنده ای و چنان باش که فردا می میری

(60)

قال الامام المجتبی علیه السلام:

كُنْ لِدُنْيَاكَ كَاثِلًا تَعِيشُ أَبَدًا، وَكُنْ لِآخِرَتِكَ كَاثِلًا تَمُوتُ غَدًا.

برای دنیایت چنان باش که گویی جاویدان خواهی ماند، و برای آخرت چنان باش که گویی فردا می میری.1

1- تمثیلات - ص 196 شهید مطهری - سند روایات - وسایل الشیعه - ج 2 - ص 535

(61)

سختیها و شداید

گندم در آسیاب

سختیها و شداید و مشکلات، روح را ورزشی می دهد، نیرومند می سازد و فلز وجود انسان را خالص و محکم می کند.

ریشه و نمو و بارور شدن وجود آدمی جز در صحنه گرفتاریها و مقابله با شداید و مواجهه با مشکلات حاصل نمی شود، زیرا تا تعین در هم نریزد و خورد نشود، تکامل حاصل نمی شود. به قول مولوی: گندم زیر خاک می رود، در زندان خاک گرفتار می شود، در همان زندان است که شکافته می شود و تعین خود را از دست می دهد و قدم به مرحله کاملتر می گذارد: اول ریشه های نازکی بیرون می دهد، طولی نمی کشد که به صورت بوته گندم، به صورت ساقه و خوشه و دانه های زیادتری ظاهر می شود. آن زیر خاک قرار گرفتن، مقدمه تکامل اوست باز همین گندم در زیر سنگ آسیا نرم و آرد می شود و بعد نان می گردد و نان بار دیگر در زیر دندان، آسیا می شود و جذب می گردد، تا بالاخره به عالیتین مراحل کمال ممکن خود می رسد و به صورت عقل و فهم تجلی می کند.1

1- تمثیلات و تشبیهات در آثار شهید مطهری - ص 223

(62)

رابطه عقل و علم

چراغ و نفت

کسی که علم ندارد، تعقل صحیح ندارد؛ یعنی، عقل به علم زیاد می شود، عقل؛ یعنی، قدرت تجزیه و

تحلیل و ربط دادن قضایا؛ یعنی، مقدمات را به دست آوردن و نتایج را پیش بینی کردن، عقل از عدم مایه می گیرد؛ عقل چراغی است که نفت آن چراغ، علم است.¹

¹- تمثیلات و تشبیهات در آثار شهید مطهری - ص 224

(63)

شهادت جوارح انسان در قیامت

نوار و ضبط صوت

چون آن دنیا (آخرت) دنیای حیات و زندگی است، تمام اعضا به صورت زنده در آنجا محشور می شوند و خود شهادت می دهند بر اعمالی که کرده اند. در مقام تشبیه، مثل دستگاه ضبط صوت است که در موقع ضبط، انسان احساس نمی کند و فقط يك نوار را روی دستگاهی می بیند يك کسی حرف می زند و آن نوار هم برای خود می چرخد، ولی نمی داند که وقتی آن نوار را برگردانند و وضع دیگری به آن دستگاه بدهند، این نوار ساکت و جامد تبدیل می شود به يك دستگاه ناطق.¹

¹- تمثیلات شهید مطهری - ص 123

(64)

ناامیدی از توبه

بطری در بسته در آب رحمت الهی آن قدر بی پایان است که وقتی انسان در رحمت به روی خود بسته است، دیگر رحمت نمی آید، مثل شیشه است که درش را ببندند و به دریا ببندارند، ولی اگر درش را باز کنی امکان ندارد بی بهره بماند. «توبه» در را باز کردن است، در رحمت را به روی خود گشودن است، در را که باز کنی آن می آید؛ بنابراین هر کسی در هر شرایطی اگر از توبه ناامید بود، یعنی بگوید: از توبه هم دیگر کاری ساخته نیست، این بزرگترین گناه است.¹

¹- تمثیلات و تشبیهات در آثار شهید مطهری - ص 149

(65)

منافق بیمار دل

بیمار ستیزه جو با طیب منافقان، بیماران هستند که علی الدوام خداوند به بیماریهای آنها می افزاید، زیرا همان قانونی که در جسم انسان هست در روح انسان نیز وجود دارد. اگر کسی بیماری تن داشته باشد و به طیب مراجعه کند، ولی با طیب لج نموده و سفارشات او را زیر پا نهد و با او منافقا نه رفتار نماید، اثرش قهرا ازدیاد بیماری است.¹

¹- تمثیلات شهید مطهری - ص 162 - آشنایی با قرآن ج 2 - ص 155

(66)

رفق و مدارا با خویشان

مرکب

پیامبر صلی الله علیه و آله به جابر فرمود: ای جابر! این اسلام، دین با متانتی است. با خودت با مدارا رفتار کن. ای جابر! انسانهایی که خیال می کنند با فشار آوردن و سختگیری به خود زودتر به مقصد می رسند، اشتباه می کنند، آنها اصلاً به مقصد نمی رسند، مَثَل آنها، مَثَل آدمی است که مرکبی به او داده اند که از شهری به شهری دیگری برود، او خیال می کند که هر چه بیشتر بر مرکب فشار بیاورد، زودتر می رسد. منزل اول و دوم و سوم را ممکن است در ظرف يك روز برود، اما ناگاه متوجه می شود که حیوان بیچاره را زخمی کرده است و حیوان هم از راه مانده است و جا به جا ایستاده، که در اینجا به مقصد که نرسیده است هیچ، مرکب خویش را هم ناقص کرده است.

انسانی که زاید بر استعداد خودش، به خودش تحمیل کند، خیال می کند که زودتر به مقصد می رسد، ولی اصلاً به مقصد نمی رسد، و روحش همانند يك مرکبی می شود که زخم بر داشته باشد، و می ماند و قدم از قدم بر نمی دارد.¹

¹- تمثیلات و تشبیهات در آثار استاد شهید مطهری - ص 228

(67)

در مدح و ذمّ مزاح

گفته اند: با خُرد مزاح مکن که بر تو دلیر گردد، و نه با بزرگ که از تو برنجد. عمر بن عبدالعزیز گفت: مزاح یا از سبک عقلی خیزد یا بَطَر و زیادتى.¹

¹- نوادر - ترجمه محاضرات الادباء و محاورات الشعراء والبُلغاء - راغب اصفهانی - ص 75

(68)

ای يك دله صد دله دل يك دله کن

مهد دگران را ز دل یله کن

يك صبح به اخلاص بیا بر در ما

بر ناید اگر کام تو از ما گله کن ¹

¹- معراج السعادة - ص 616

(69)

در مدح باز دارنده نفس از هوی

پادشاهی با عابدی گفت: چرا مرا خدمت نکنی که از بندگان منی؟ گفت: بلکه تو بنده بنده منی. گفت: از چه روی؟

گفت: از آن روی که من هوای نفس را مالک شدم و تو او را بنده شدی.¹

¹ نوادر- راغب اصفهانی - ص 123

(70)

به منزل مرحوم شاه آبادی رفتم. این آیه را معنا می کرد: **و اما من خفت موازینہ فامہ هاویة** (یعنی کسی که نامه عملش سبک و بی مقدار باشد، پس جایگاه او (مقصد او) در قعر هاویة و جهنم است). سوره قارعه، آیه 9 - 8 و سرّ این جمله را بیان می کرد (و می فرمود) که:

«اُمّ (مادر) را از آن جهت اُمّ می گویند که مقصدِ بچه است. آیه می خواهند بگویند که اگر این فرد (گنهکار) در جهنم سقوط می کند، جهنم همان مقصدی است که در تمام عمر به سویش افتد، اصلاً مقصدش بوده و به این طرف حرکت کرده و حالا دارد به «مادر» خود می رسد. (او) فرزند همین مادر است و به دامن مادر خود فرود می آید.»¹

¹ تفسیر قرآن 1 - نشر رجعت، ص 301 - 300، شهید آیه الله مطهری - عارف کامل - شاه آبادی - ص 15